



دانشگاه علامه طباطبائی (ره)

دانشکده علوم اجتماعی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

بازنمایی اسلام در فیلم های سینمایی غرب قبل و بعد از ۱۱ سپتامبر؛

نشانه شناسی فیلم های محاصره و غیر قابل تفکر

استاد راهنما:

دکتر سید محمد مهدی زاده

استاد مشاور:

دکتر مریم سادات غیاثیان

نگارش:

نادیه خوش نظر

خرداد ۹۰



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانشگاه علامه طباطبایی (ره)

دانشکده علوم اجتماعی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

بازنمایی اسلام در فیلم های سینمایی غرب قبل و بعد از ۱۱ سپتامبر؛

نشانه شناسی فیلم های محاصره و غیر قابل تفکر

استاد راهنما:

دکتر سید محمد مهدی زاده

استاد مشاور:

دکتر مریم سادات غیاثیان

نگارش:

نادیه خوش نظر

خرداد ۹۰

تقدیم به:

مادرم که وجودش برای من همه مهر است و عشق.

## چکیده:

اسلام و مسلمانان همواره در معرض توجه رسانه های گروهی بوده اند و این توجه پس از حادثه ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ بیشتر شد. این پایان نامه در صدد بررسی بازنمایی اسلام و مسلمانان در فیلم های سینمایی غربی است، برای نیل به این هدف ابتدا نظریه بازنمایی استوارت هال مورد نظر قرار گرفته و در ادامه مبحث نظری، دیدگاه ادوارد سعید و نظریه شرق شناسی او بررسی و به موضوع اسلام هراسی نیز اشاره شده است. در قسمت روش بر مبنای الگوی جان فیسک در مطالعه متون تصویری و همچنین الگوی کیت سلبی و ران کادوری، دو فیلم «محاصره» محصول سال ۱۹۹۸ و «غیر قابل تفکر» محصول سال ۲۰۱۰، بر اساس واحد تحلیل «نما» مورد بررسی قرار گرفتند.

بر اساس سوال اصلی تحقیق؛ اسلام و مسلمانان در این فیلم های سینمایی چگونه بازنمایی شده اند نتایج یافته های تحقیق نشان می دهد که اسلام در این دو فیلم دینی خشن و موافق ترور بازنمایی می شود و مسلمانان به تصویر کشیده شده در این فیلم ها نیز انسان های خشن هستند که طبق تعالیم دینشان به انواع سلاح ها مجهز می شوند تا دینشان را حفظ کنند. بر اساس یافته های به دست آمده در فصل چهار می توان گفت، اسلام و مسلمانان در هر دوره زمانی قبل و بعد از ۱۱ سپتامبر به صورت منفی بازنمایی شده اند، ولی گفتمان «خودی» در حال حاضر که چندین سال از واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ می گذرد دستخوش تغییر شده است. پیش از این مفهوم خودی «غربی غیر مسلمان» بود، این بار به جایی که مسلمان/عرب بودن محک تشخیص خودی و غیر خودی باشد، خود دین اسلام ملاک سنجش و جدایی خود و دیگری از یکدیگر شده است و «غربی مسلمان» نیز دیگری محسوب می شود.

نتایج حاصله نشان می دهد تصویر «خودی» ها در این دو فیلم به عنوان افراد غیر مسلمان، تصویر افرادی پیشرفته، صلح طلب، منطقی و قرباتی تروریسم است که نسبت به مسلمانانِ خوشونت طلب، بدوی، بی خرد و عامل تروریسم دارای برتری هستند.

فصل اول: کلیات تحقیق

۲	۱-۱- بیان مسأله.....
۴	۲-۱- ضرورت و اهمیت تحقیق.....
۵	۳-۱- اهداف تحقیق.....
۵	۴-۱- سؤالات تحقیق.....
۶	۵-۱- تعریف مفاهیم.....

فصل دوم: مبانی نظری تحقیق

۸	۱-۲- بررسی تحقیقات پیشین.....
۸	۱-۱-۲- تحقیقات داخلی.....
۱۰	۲-۱-۲- تحقیقات خارجی.....
۱۳	۲-۲- مبانی نظری.....
۱۳	۱-۲-۲- نظریه بازنمایی.....
۱۳	۱-۱-۲-۲- تعریف عمومی بازنمایی.....
۱۳	۲-۱-۲-۲- بازنمایی در علم ارتباطات و رسانه.....
۱۴	۳-۱-۲-۲- رویکردهای نظری به بازنمایی.....
۱۶	۴-۱-۲-۲- استراتژی های بازنمایی.....
۱۶	۱-۴-۱-۲-۲- کلیشه سازی.....
۱۸	۲-۴-۱-۲-۲- طبیعی سازی.....
۱۹	۲-۲-۲- نظریه شرق شناسی.....
۲۲	۳-۲-۲- نظریه کلیشه سازی.....
۲۳	۴-۲-۲- اسلام هراسی.....
۲۷	۱-۴-۲-۲- عوامل موثر بر رشد اسلام هراسی.....
۲۷	۲-۴-۲-۲- گونه های راهبردی اسلام هراسی.....
۲۸	۱-۲-۴-۲-۲- اسلام هراسی سلبی.....



- ۲-۲-۴-۲-۲-اسلام هراسی ایجابی ..... ۲۹
- ۲-۲-۵- مفهوم خود و دیگری در گفتمان غربی ..... ۲۹

### فصل سوم: روش شناسی تحقیق

- ۱-۳- مقدمه ..... ۳۵
- ۲-۳- روش تحقیق ..... ۳۶
- ۱-۲-۳- الگوی فیسک ..... ۳۸
- ۱-۲-۳-۱- چگونگی ارتباط رمزگان سه گانه با هم و با سطوح جهانی ..... ۳۸
- ۲-۲-۳- الگوی سلیبی و کادوری ..... ۴۵
- ۳-۳- روش نمونه گیری ..... ۴۸

### فصل چهارم: بررسی یافته های تحقیق

- ۱-۴- فیلم محاصره ..... ۵۰
- ۱-۴-۱- اهمیت و برجستگی فیلم ..... ۵۰
- ۲-۴-۱- معرفی فیلم ..... ۵۱
- ۳-۴-۱- تحلیل رمزگان فیلم بر اساس الگوی فیسک ..... ۸۱
- ۲-۴-۲- فیل غیر قابل تفکر ..... ۸۸
- ۲-۴-۱- معرفی فیلم ..... ۸۸
- ۲-۴-۲- تحلیل رمزگان فیلم بر اساس الگوی فیسک ..... ۱۰۵

### فصل پنجم: جمع بندی و نتیجه گیری

- ۱-۵- مقدمه ..... ۱۱۱
- ۲-۵- تحلیل نشانه شناسی فیلم ها ..... ۱۱۲
- ۳-۵- پیشنهادات ..... ۱۱۷
- فهرست منابع و مأخذ ..... ۱۱۸

# فصل ۱

## کلیات تحقیق

## ۱-۱- بیان مسئله

هر رسانه با ابزار متناسب و مناسب و با توجه به اهداف و مشی خود در صدد است روایت هایی از دنیا، زندگی افراد و گروه ها ارائه کند که با سیاست ها و منافعش هماهنگ باشد، بنابراین همواره میان واقعیت و آنچه در رسانه ها نشان داده می شود شکاف وجود دارد و رسانه ها اغلب واقعیت ها را دستکاری و به بیانی دیگر بازنمایی می کنند، وجود این شکاف سبب شده است که تلاش های زیادی برای توصیف و تبیین نحوه، چگونگی و چرایی بازنمایی ها صورت گیرد و بازنمایی رسانه ای امروزه به مفهومی بنیادین در مطالعات رسانه ای تبدیل شود.

رسانه ها به شیوه های مختلف جهان اطراف ما را به تصویر می کشند و ما برای درک جهان پیرامون خود و واقعیت های آن ناچار به استفاده و اعتماد به رسانه ها هستیم و این اعتماد پذیرش مخاطبان را نیز در پی دارد. «تغییرات ارزشهای اجتماعی و الگوهای رفتاری به سرعت در رسانه ها منعکس می شود و با استفاده از وسایلی چون نوار های کاست، تلویزیون، رادیو، مجله، سینما و... به آسانی از سوی مخاطبانی پذیرفته می شود که شاید به هیچ صورت دیگری در معرض این تغییرات قرار نمی گرفتند» (رابرتسون، ۱۲: ۲۰۰۲)

یک از مواردی که مورد توجه رسانه ها به خصوص رسانه های غربی بوده و هست مسئله شرق و شرقی هاست. شرقی ها و به ویژه مسلمانان همواره در متون رسانه ای غرب به عنوان «دیگری» یا «غیرخودی» به تصویر کشیده شده اند. مسلمانان از دیر باز حتی در داستان ها و سفرنامه ها نیز به عنوان افرادی غیر متمدن، وحشی و شهوانی معرفی شده اند و امروزه نیز رسانه های جمعی با توجه به مخاطب انبوهی که دارند این بازنمایی ها را بسط و گسترش می دهند و سعی می کنند مفاهیم و معانی ای کلیشه ای از اسلام و مسلمانان تولید و توزیع کنند.

نقش رسانه ها در جهت دهی به این نوع نگاه نسبت به اسلام غیر قابل انکار است. آنچه از جهان اسلام در سینمای غرب به خصوص هالیوود بازنمایی می شود، مملو از دیدگاه های کلیشه ای، ارجاعات مغشوش و همراه با منابع ناموثق است.

این انگاره و کلیشه سازی منفی از شرقی ها و به ویژه مسلمانان پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران بیشتر شد و اسلام و مسلمانان بیش از دیگر ادیان و افراد به عنوان دشمن و تهدیدی برای غرب معرفی شدند، در این میان واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نگاه غرب را به اسلام بیش از پیش منفی کرد و پس از آن مسلمانان بیشتر به عنوان تروریست، بنیادگرا و غیر متمدن معرفی شدند و این نگاه و نگرش منفی در رسانه های مختلف چه رسانه های مکتوب و چه رسانه های صوتی و تصویری

بیشتر نمودار شد، به طوری که اخبار، گزارش ها، مقاله ها و برنامه های رسانه های مختلف بر این دید منفی صحنه می گذارد و بر کلیشه سازی از شرقی ها و مسلمانان پافشاری دارند.

اسلام به عنوان اولین دین جهان با جمعیتی بیش از یک میلیارد در جهان از گسترده ترین، منسجم ترین و اجتماعی ترین شعائر و مناسک دینی برخوردار است و تا بدان جا که در لوس آنجلس زادگاه هالیوود بیش از نیم میلیون مسلمان و در ایالات متحده آمریکا بیش از دو هزار مسجد و مرکز اسلامی برای مسلمانان وجود دارد، لیکن تصویر مسلمانان در سینماهای هالیوود تصویری مخدوش و به دور از واقعیت های اجتماعی است.

انگاره های قالبی راجع به مسلمانان به وسیله سیاست های بین المللی تقویت می شوند و رسانه های گروهی هم به طور بصری و هم در متن ها، آن را تداوم می بخشند و آمریکایی ها از «مارک تواین» تا «والت دیزنی» در ادبیات و فیلم از آن حمایت کرده اند. (جکسون، ۹۴: ۱۹۹۶ به نقل از سایت باشگاه اندیشه)

این انگاره سازی منفی از اسلام و مسلمانان تا جایی پیش رفته است که امروزه به مفهوم «اسلام هراسی» بیشتر توجه می شود و در مورد آن تحقیقات بیشتری صورت می گیرد و مقالات بیشتری نوشته می شود.

باید توجه داشت که اسلام تنها دینی است که نامش با ترس و هراس عجین شده، این ترس و تنفر از اسلام جدید نیست و به قرن هشتم باز می گردد ولی این واژه به تازگی وارد ادبیات شده است.

در معنای عام «اسلام هراسی» را می توان به عنوان ترس یا تنفر از اسلام، مسلمانان و فرهنگ اسلامی به ویژه زمانی که ترس از آن به عنوان یک نیروی سیاسی است، تعریف کرد.<sup>1</sup> یکی از این رسانه هایی که در بازتولید اینگونه کلیشه ها و القای اسلام هراسی نقشی اساسی دارد سینماست. این رسانه در قالب فیلم های سینمایی با داستان پردازی ای قوی بر این نکته تاکید دارد که آنچه به مخاطب عرضه می کند، واقعیت دارد و مخاطب نزد خود اینگونه فرض می کند که آنچه بازنمایی شده است عین واقعیت است.

سینما به عنوان یک رسانه از طریق فیلم، جامعه اطراف و حیات درونی آنها را به تصویر در می آورد. در واقع گرایش های روحی و روانی و ضمیر ناخودآگاه جمعی به صورت فیلم نشان داده می شوند. فیلم ها با افشای نهادهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی یک جامعه روحیات یک دوران را مجسم می سازند. (جینکز، ۱۷۱: ۱۳۸۵) همچنین می توان گفت فیلم نظامی از معانی است که هم

واقعیت را بازنمایی می کند، هم آن را بازسازی می کند و هم حساسیت های خود را از واقعیت بیان و تولید می کند.

اگر چه اسلام هراسی و اسلام ستیزی در تولیدات رسانه ای غرب از جمله فیلم های سینمایی مسئله چندان جدیدی نیست، ولی طی سالهای اخیر و بالاخص پس از ۱۱ سپتامبر این مسئله شدت یافت. بعد از این تاریخ اولین متهم حوادث تروریستی در دنیا، مسلمانان بودند و در نتیجه فیلم های ضد اسلامی به شدت رشد کرد و تهیه کنندگان، نویسندگان و کارگردانان غربی با ارائه تصاویر و دیالوگ ها و نشانه ها در صدد برآمدند دیدگاه های خود را در قالب فیلم های سینمایی به مخاطب عرضه کنند.

در این تحقیق دو مورد از مهم ترین فیلم های ساخته شده غربی در دو دهه قبل و بعد از ۱۱ سپتامبر که به نوعی در ارتباط با اسلام و مسلمانان بوده است، مورد بررسی قرار می گیرند. سوال اصلی تحقیق حاضر این است که اسلام و مسلمانان در این فیلم های سینمایی چگونه بازنمایی شده اند و سینما به عنوان یک رسانه چه انگاره هایی از آنان را به تصویر کشیده است.

## ۱-۲- ضرورت و اهمیت موضوع تحقیق

از آنجایی که بسیاری از قضاوت ها و نگرش های عموم نسبت به اسلام و مسلمانان از طریق دنیای بازنمایی شده رسانه ها شکل می گیرد و یکی از این رسانه ها سینما و به خصوص فیلم های سینمایی مطرح و پرفروش است، ضرورت دارد محتوای این فیلم ها مورد بررسی و نقد قرار بگیرد چرا که با اطلاع از مفاهیم و معانی بازنمایی شده در این فیلم ها هم می توان نسبت به بازنمایی اسلام و مسلمانان شناخت پیدا کرد و هم با این شناخت می توان برای تصحیح برداشت های نادرست و منفی غرب در مورد شرق و به طور جزئی تر مسلمانان اقدام کرد.

ضرورت دیگر این پژوهش این است که با شناخت شیوه های عملکرد غرب در بازنمایی مسلمانان می توان آگاهی سیاسی و ملی مردم و مسئولان را افزایش داد، آگاهی بخشی به مردم مسلمان باعث می شود خود آنها نیز کمتر تحت تاثیر اینگونه فیلم ها قرار بگیرند، چنانچه بعضی از مسلمانان به دلیل شناخت کمی که از دین اسلام دارند آموزه های تروریستی و خشونت های کنترل نشده بخشی از تعلیمات دین آنهاست.

همچنین به دلیل رابطه بین سیاست خارجی و دنیای رسانه ها، آگاهی از شیوه های انگاره سازی و کلیشه سازی غرب و غیر مسلمانان از اسلام می تواند به موفقیت ما در عرصه سیاست خارجی و روابط بین الملل کمک کند.

از آنجا که فیلم های سینمایی با ارائه تصاویر و دیالوگ های جذاب تاثیر ماندگارتری بر ذهن مخاطب دارند، نقد و بررسی فیلم های سینمایی به ما این امکان را می دهد که ببینیم چگونه کسانی که واقعیت های اسلام و زندگی مسلمانان را بازنمایی می کنند برای پررنگ تر کردن اثرات این بازنمایی آنها را در قالب فیلم هایی با ساختاری خوب می برند و چگونه اهداف مورد نظر خود را در جهت تحقیر دین اسلام در قالب فیلم به نمایش می گذارند.

### ۱-۳- اهداف تحقیق

با توجه به آنچه گفته شد اهداف این تحقیق به اجمال به شرح زیر است:  
بررسی چگونگی بازنمایی اسلام در فیلم های سینمایی غربی  
بررسی چگونگی استفاده از رمزها و نشانه ها در فیلم های بررسی شده  
بررسی چگونگی تاثیر حادثه ۱۱ سپتامبر بر بازنمایی اسلام در دو فیلم بررسی شده

### ۱-۴- سوالات تحقیق

سوالات این تحقیق به دوشکل اصلی و فرعی عبارتند از:

۱-۴-۱- سوالات اصلی:

اسلام و مسلمانان در این فیلم های سینمایی چگونه بازنمایی شده اند؟

۱-۴-۲- سوالات فرعی:

سینمای غرب از چه رمزگان نشانه شناختی برای بازنمایی اسلام استفاده می کند؟

به کدامیک از اصول و ارزش های دین اسلام در این فیلم ها بیشتر توجه شده است؟

در این فیلم ها آیا مناسک مسلمانان بیشتر مورد توجه قرار گرفته یا نحوه زندگی فردی و اجتماعی آنان؟

آیا ۱۱ سپتامبر به عنوان حادثه ای که دید مردم جهان را نسبت به اسلام تیره کرد، در این فیلم های

سینمایی ساخته شده بعد از این تاریخ بازتاب داشته است؟

## ۱\_۵\_ تعریف مفاهیم

بازنمایی، ۱۱ سپتامبر، نشانه شناسی

بازنمایی: «بازنمایی» تولید معنا از طریق چارچوب های مفهومی و گفتمانی است. به این معنی که «معنا» از طریق نشانه ها، به ویژه زبان تولید می شود. زبان سازنده معنا برای اشیای مادی و رویه های اجتماعی است و صرفاً واسطه ای خنثی و بی طرف برای صورت بندی معانی و معرفت درباره جهان نیست. فرایند تولید معنا از طریق زبان را رویه های دلالت می نامند. لذا آنچه واقعیت نامیده می شود خارج از فرایند «بازنمایی» نیست. (مهدی زاده، ۱۵: ۱۳۸۷)

استوارت هال می گوید: «هیچ چیز معنا داری خارج از گفتمان وجود ندارد؛ و مطالعات رسانه ای وظیفه اش سنجش شکاف میان واقعیت و بازنمایی نیست بلکه تلاش برای شناخت این نکته است که معانی به چه نحوی از طریق رویه ها و صورت بندی ها گفتمانی تولید می شود. از دیدگاه هال، ما جهان را از طریق بازنمایی می سازیم و بازسازی می کنیم» (Calvert & Livis, 2002: 200)

نشانه شناسی: نشانه شناسی مطالعه قواعد استفاده از نشانه ها و نیز روشهایی است که از طریق آنها نشانه ها معانی خود را منتقل می سازند. هدف این علم نشان دادن نشانه و رمزها در تمام متون رسانه ای است و اینکه این رمزها چگونه دیده میشوند و عملکردشان در خلق معانی چگونه است. نشانه شناسی به منزله راهی برای تحلیل متون رسانه ای از دهه ۶۰ تا کنون تاثیر فزاینده ای داشته است. یکی از دلایل اصلی این امر قابلیت به کارگیری نشانه شناسی در انواع متون است: از کتابهای مصور، سریالهای کمپیوتری و موسیقی راک گرفته تا ادبیات، نقاشی، آیین نامه راهنمایی و رانندگی و... (سلبی و کاودری، ۱۳۸۰).

۱۱ سپتامبر: در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ (۱۹ شهریور ۱۳۸۰) هواپیمایی که توسط تروریست ها ربوده شده بود، به برج های مرکز تجارت جهانی در نیویورک حمله کرده و آنها را منفجر ساخت. در آن زمان بیش از ۳ هزار نفر کشته شدند و هنوز بحث و جدل های زیادی درباره عوامل آن در محافل مختلف سیاسی وجود دارد اما مقامات آمریکا "القاعده" را بعنوان مقصر این رویداد اعلام کردند.

این حادثه آغازی اسفناک برای جهان در آستانه ورود به قرن بیست و یکم محسوب می شد و از آن روز بود که اخبار مربوط به تروریست های مسلمان در صدر اخبار رسانه ها قرار گرفت و اکنون با گذشت نزدیک به یک دهه، همچنان خبرهای مربوط به جهان اسلام و به خصوص خشونت های صورت گرفته توسط مسلمانان، به صورت وسیعی پوشش داده می شوند و در مورد آنها بحث های تلویزیونی انجام می شود، برنامه های تلویزیونی ساخته می شود، فیلم های سینمایی تهیه می شود، کاریکاتور کشیده می شود... و هنوز با گذشت یک دهه از این حادثه نه تنها دیدگاه غرب به هاسلام و مسلمانان واقع بینانه تر نشده بلکه انگشت اتهام از مسلمانان به سمت اسلام، نشانه رفته است.

# فصل ۲

## مبانی نظری تحقیق



## ۲-۱- بررسی تحقیقات پیشین

برای انجام هر تحقیق جدید بررسی تحقیقات مشابه که قبل از آن انجام شده ضروری به نظر می‌رسد، چرا که هر کدام از آنها دریچه‌ای را برای درک بهتر موضوع باز می‌کنند. بررسی و شناخت پیشینه بازنمایی درباره اسلام و مسلمانان در رسانه‌های مختلف اعم از تصویری و مکتوب این موضوع را نشان می‌دهد که اکثر مطالعات انجام شده در ایران درباره بازنمایی اسلام و مسلمانان در مورد رسانه‌های مکتوب غربی صورت گرفته و تحقیقات چندانی در مورد رسانه‌های تصویری نشده است.

در میان تحقیقات انجام شده در ایران می‌توان گفت تنها تحقیقی که به بازنمایی اسلام در متون تصویری پرداخته است، مقاله عبد الله بیچرانلو دانشجوی دکترای مدیریت رسانه دانشگاه تهران است که با عنوان «تصویر سازی و کلیشه سازی هالیوود از مسلمانان» در شماره ۷۹ رسانه به چاپ رسیده است. او در این تحقیق پنج فیلم مرتبط با ایران و پنج فیلم مرتبط با اسلام را مورد با روش نشانه‌شناسی مورد بررسی قرار می‌دهد و به این نتیجه می‌رسد که مهمترین دال در تصویر ارائه شده از مسلمانان، خشونت و تروریسم است.

در میان تحقیقات خارجی نیز اثر جک شاهین که در آن ۹۰۰ فیلم هالیوودی تحلیل محتوا شده‌اند، اثر برجسته‌ای است ولی این تحقیق نیز به بازنمایی اعراب می‌پردازد و نه اسلام و مسلمانان. با این وجود تحقیقات زیادی در موضوعات مشابه موضوع این پایان‌نامه چه در حوزه رسانه‌های مکتوب و چه در حوزه رسانه‌های تصویری انجام شده که در ذیل به بخشی از آنها اشاره می‌شود.

### ۲-۱-۱- تحقیقات داخلی

۱. مریم سادات غیاثیان (۱۳۸۶) در رساله دکتری خود با عنوان «بازنمایی اسلام در نشریات آمریکا و انگلیس قبل و بعد از ۱۱ سپتامبر» با روش تحلیل گفتمان انتقادی به بررسی دو روزنامه گاردین و دیلی تلگراف از انگلیس و دو مجله تایم و نیوزویک از آمریکا در بازه زمانی بین ۱۲ مارس ۲۰۰۱ تا ۱۱ مارس ۲۰۰۲ می‌پردازد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که بازنمایی «گروه‌های خودی» در راستای مثبت‌نمایی «خود» و بازنمایی «گروه‌های غیرخودی» در راستای منفی‌نمایی «دیگران» بوده است. اسلام و مسلمانان در هر دوره زمانی قبل و بعد از ۱۱ سپتامبر به صورت منفی بازنمایی شده‌اند و در کلیه مقالات بررسی شده، مسلمانان برای سایر کشورها و حتی برای داخل خود نیز تهدید به شمار آمده‌اند.

۲. تزا میر فخرایی در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل گفتمان رسانه‌های غریب در پی حادثه ۱۱ سپتامبر: گفتمان نفرت»، طی تحلیلی گفتمانی که در چهار بخش ارائه شده است به بررسی تصاویر

تلویزیونی پخش شده پس از حادثه ۱۱ سپتامبر می پردازد و عملکرد رسانه ای تلویزیون پس از انفجار برج های دو قلو به ترتیب مشتمل بر: احساس ناتوانی (اولین معنای غالب بر تصاویر تلویزیونی)، ترسیم تصویر دشمن (مرحله دوم)، تعادل و در نهایت فرایند تکاملی مباحث در طول دوره خبر معرفی می کند. در این تحقیق که در سال ۱۳۸۰ انجام شده است، از نظر زمانی به یک دوره خاص (پس از ۱۱ سپتامبر) پرداخته شده است ولی در این تحقیق بازه زمانی قبل و بعد از این حادثه مورد بررسی قرار گرفته است.

۳. حمید مولانا در مقاله «رسانه ها و انگاره سازی» به بررسی انگاره سازی رسانه های غربی از جهان اسلام می پردازد. مولانا در این مقاله که در سال ۱۳۷۵ نوشته شده است ابتدا به تعریف انگاره می پردازد و آن را نثابه یک سازه می داند که به خودی خود مجموعه ای از تصاویر را در بر دارد که از جنبه های گوناگون سبب شکل گیری واقعیت در ذهن فرد می شود. مولانا در بررسی انگاره سازی رسانه های غربی از جهان اسلام، دو رویداد مرتبط با جهان اسلام را که در رسانه های غربی پوشش داده شده است مورد بررسی قرار می دهد. دو رویداد فوق عبارتند از جنگ بوسنی و جنگ خلیج فارس؛ مولانا انگاره سازی رسانه ای غربی در جنگ بوسنی را مبتنی بر بسط مفهوم «نسل کشی» در رسانه های جمعی می داند که تداعی گر عصر نازی هاست. مولانا در بررسی پوشش رسانه ای جنگ خلیج فارس می گوید: «در این دوره به رغم اینکه حجم بسیار بالایی از اخبار وجود داشت اما همه خبر ها روی آنتن نمی رفت» (مولانا، ۱۳۷۵، ص ۱۳). او سه دلیل عمده را در بی طرف نبودن رسانه ها در موارد مشابه بر می شمارد؛ رسانه ها معمولاً تمایل به پیروی از هنجار های دولت و به ویژه ابر قدرت ها دارند، تبلیغات به پیش شرط هدایت افکار عمومی در کشمکش های بین المللی تبدیل شده است، شمار نهاد های دموکراتیک کاهش یافته است.

در نهایت مولانا نتیجه می گیرد که انگاره سازی های صورت گرفته از جهان اسلام در رسانه های غربی ناشی از این امر است که آنها اطلاع دقیق و درستی از جهان اسلام ندارند. با این حال به نظر می رسد چنین دیدگاهی با توجه به گستردگی وسایل ارتباط جمعی در هر دو سطح نرم افزاری و سخت افزاری، دیدگاهی تقلیل گرایانه و ناکافی برای تبیین و توجیه چرایی انگاره سازی غرب از جهان اسلام باشد.

۴. سید محمد مهدی زاده در رساله دکتری خود با عنوان «بازنمایی ایران در چهار روزنامه؛ نیویورک تایمز، گارین، لوموند و دی ولت» با استفاده از روش تحلیل گفتمان انتقادی این فرضیه را مطرح می کند که ایدئولوژی و گفتمان شرق شناسی منبع و چارچوب بازنمایی ایران در این چهار روزنامه است. بررسی های انجام شده در این رساله به تایید این فرضیه منجر شده است. این تحقیق

که در سال ۱۳۸۴ انجام شده است. تحقیق مهدی زاده عمدتاً بر متون مکتوب متمرکز است و با روش تحلیل گفتمان صورت گرفته است. اما در تحقیق حاضر بر متون تصویری تمرکز و با استفاده از روش نشانه شناسی انجام خواهد شد.

۵. محمد سروی زرگر در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «بررسی بازنمایی ایران در سینمای هالیوود» با دو روش نشانه شناسی و تحلیل گفتمان انتقادی، هفت فیلم هالیوودی مرتبط با ایران را مورد بررسی قرار می دهد. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می دهد که آنچه در سینمای هالیوود درباره ایران ارائه شده است، با سوگیری ها کلیشه سازی هایی همراه است که از خلال آنها ایران به مثابه «دیگری فرودست» غرب ساخته شده و متفاوت از جهان نشان داده می شود و در نتیجه به اشکال مختلف طرد می شود.

نتایج این تحقیق نشان می دهد آنچه در سینمای هالیوود درباره ایران ساخته شده است، شکل جدیدی از نژاد پرستی با عنوان اسلام هراسی را شکل می دهد.

## ۲-۱-۲- تحقیقات خارجی

۱. ادوارد سعید در کتاب شرق شناسی به بسط این نظریه می پردازد که «شرق» و مطالب مرتبط با آن به عنوان کلی «شرق شناسی» ابداع جوامع غربی است که با ایجاد «دیگری» برای خود می پردازد و در این راستا شرق به عنوان دیگری غرب کشف نمی شود بلکه ساخته می شود. بنیان و اساس شرق شناسی از منظر سعید، نوعی سبک فکری است که بر مبنای تمایزی هستی شناختی و معرفت شناختی بین شرق و غرب استوار است. سعید با استفاده از مفهوم فوکویی «تبارشناسی دانش» شرق شناسی را نوعی سبک غربی در رابطه با ایجاد سلطه، تجدید ساختار، دانش آمریت و اقتدار در برابر شرق تعریف می کند. میراث نظری سعید امکانات بالقوه ای در تحلیل آنچه میان شرق و غرب حادث شده است، در اختیار ما قرار می دهد. در این تحقیق سعی خواهد شد با دیدی انتقادی به بررسی آرای سعید پرداخته و در نهایت از میراث نظری سعید در بافت و حوزه ای متفاوت از آنچه در آثار سعید دیده می شود (رسانه سینما) استفاده شود. لازم به ذکر است که این اثر سعید در سال ۱۹۷۸ چاپ شده است.

۲. ادوارد سعید در کتاب «پوشش خبری اسلام در غرب» (چاپ ۱۹۸۱) نشان می دهد که بخش اعظمی از پوشش خبری جهان اسلام در رسانه های غربی از واقعیت عینی دور است و اسلام به شکل نمونه هایی از قوم محوری بی قید و شرط، تنفر نژادی و همراه با خصومتی عمیق و در عین حال بی قاعده و گسترده نشان داده می شود که در آن با استفاده از کلیشه های ساده لوحانه درباره اسلام، مسلمانان را تهدیدی برای تمدن مغرب زمین نشان می دهند. سعید با بیان چگونگی

سیاست‌های تفسیر اسلام و جوامع یا کانون‌های تفسیری فصل دوم از این کتاب سه فصلی خود را با عنوان «داستان ایران» به نگارش در آورده است و در آن با محور قرار دادن واقعه گروگان‌گیری در سفارت آمریکا به تحلیل برنامه‌های خبری شبکه‌های خبری و روزنامه‌ها، عملکرد وسایل ارتباط جمعی آمریکا در راستای ساخت ایران به مثابه نمادی از کل رابطه آمریکا با جهان اسلام بررسی می‌کند. بی‌شک این اثر سعید به واسطه تغییر نمونه‌های مورد بررسی سعید (از ادبیات به رسانه‌های تصویری) نمونه متفاوتی از آثار نظری سعید را در اختیار ما قرار می‌دهد. لیکن از آنجایی که فاصله زمانی زیادی از آن می‌گذرد، باید با بکارگیری آن در متون رسانه‌ای معاصر به بررسی مجدد ایده‌های مطرح شده در این نوشته پرداخته شود.

۳. محمد فال پایان‌نامه دکتری خود را با عنوان «تصویر مسلمانان در روزنامه‌های برگزیده آمریکا و مقایسه آن با تصاویر مراکز اسلامی از مسلمانان» در سال ۲۰۰۱ و در دانشگاه هاروارد به انجام رسانده است. وی در این پایان‌نامه از روش‌های تحقیق ترکیبی پیمایش و تحلیل محتوا استفاده کرده است. تحلیل محتوای اخبار ۸ روزنامه ملی و محلی آمریکا و پیمایش ایمیلی از ۲۵۰ مرکز ۲۵۰ مرکز اسلامی (۱۱۶ مورد بازگشتی) درباره تصویر ایجاد شده از مسلمانان در انفجار مرکز تجارت جهانی در سال ۱۹۹۳ و بمب‌گذاری در ساختمان فدرال در سال ۱۹۹۵ و مقایسه آن با دیدگاه افراد فعال در مراکز اسلامی آمریکا به سه نتیجه عمده منتج شده است:

اولاً، رابطه معنا داری میان نوع پوشش خبری (مثبت/منفی/خنثی) و نوع روزنامه (ملی/محلی) وجود داشته است به طوری که روزنامه‌های ملی نسبت به روزنامه‌های محلی تصویر مثبت تری از مسلمانان ارائه داده‌اند. ثانیاً، تحقیق فوق‌نشان می‌دهد که کلیشه‌های ساخته شده از مسلمانان در رسانه‌های نوشتاری آمریکا به شکل معناداری با آنچه مسلمانان از خود درک می‌کنند متفاوت است و ثالثاً، اینکه بخش اعظمی از مسلمانان مراکز اسلامی آمریکا از تصویر ارائه شده از مسلمانان در مطبوعات آمریکا ناراضی هستند.

۴. در مطالعات انجام شده درباره چگونگی بازنمایی اعراب در رسانه‌های سرگرم‌کننده آمریکا، اثر برجسته جک شاهین استاد ارتباطات دانشگاه الینوی به عنوان شاخص‌ترین اثر در این حوزه شناخته می‌شود. شاهین در این اثر که در سال ۲۰۰۳ با عنوان «اعراب همواره بد: چگونه هالیوود به مردم بهتان می‌زند» منتشر شده است، تصویر اعراب را در ۹۰۰ فیلم هالیوودی بررسی کرده است. او در این تحقیق که به روش تحلیل محتوا انجام شده است نشان می‌دهد «تصاویر روی پرده‌های عریض سینما و تلویزیون بیش از صد سال است که در حال ساختن تصاویر کلیشه‌ای و باورهای قالبی از اعراب هستند» (shaheen, 2003, P. 171).